

زبان انگلیسی ضعیف مقامات کشوری و اصرار به صحبت؛ آن هم در یک نشست خارجی!

شرق نوشت: انتشار فیلم سخنرانی علی سلاجقه، رئیس جدید سازمان محیط زیست، به زبان انگلیسی در نشست جهانی آب و هوایی سازمان ملل واکنش برانگیز بوده است؛ به طوری که آن را سخنرانی به انگلیسی با لهجه جدید یا دست و پا شکسته توصیف کرده‌اند.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، البته این نخستین بار نیست و احتمالاً هم نخواهد بود که یک مقام سیاسی یا اجرائی بدون تسلط به زبانی غیر از فارسی، اصرار به صحبت به آن در یک نشست خارجی دارد؛ اما ماجرا واکنش دوگانه جریان اصولگرایی به این اتفاق است. زمانی زبان انگلیسی نامفهوم صادق خرازی دستمایه کنایه رسانه‌های این جریان بود. سال ۹۴ سایت مشرق تیتراژ: «نحوه انگلیسی صحبت کردن دیپلمات ارشد اصلاح طلب!» بعد هم نوشت که «حضور صادق خرازی در نشست سیاست خارجی برلین و نحوه سخن گفتن او در اثنای این نشست موجب تعجب ناظران شده است. صادق خرازی که تنها طرف ایرانی شرکت‌کننده در این نشست بود، با سطح بسیار پایین از زبان انگلیسی به پاسخ به سؤالات می‌پردازد. سخنان خرازی به زبان انگلیسی از لحاظ واژگان و گرامر به قدری مغلوط و مخدوش است که مخاطبان را به شک می‌اندازد چگونه ایشان به عنوان یک دیپلمات عالی‌رتبه شش سال نماینده دائم ایران در سازمان ملل و ساکن ایالات متحده آمریکا بوده‌اند؟!»

این در حالی است که همین رسانه‌ها وقتی ویدئوی عربی حرف زدن وزیر خارجه فعلی، امیرعبداللهیان، منتشر شد، شروع به توجیه کردند و قضیه را به یک تفاوت لهجه صرف تقلیل دادند. این در حالی بود که کاربران شبکه‌های اجتماعی عربی حرف زدن امیرعبداللهیان را با حرف زدن مرحوم فتحعلی اویسی در نقش آقای کاووسی در سریال شهر قشنگ مقایسه کرده بودند و ویدئوی هر دو را کنار هم باز نشر می‌کردند.

علی مطهری هم در توییتری نوشته بود: عربی صحبت کردن جناب امیرعبداللهیان در اجلاس بغداد که اکثر میهمانان عرب بودند، کار بسیار خوبی بود؛ اما ای کاش متن نطق ایشان قبلاً از سوی یک استاد زبان عربی اعراب‌گذاری می‌شد تا دقیق خوانده شود.

خبرگزاری مهر هم یادداشتی در پاسخ به واکنش‌ها منتشر کرد و نوشت: «بعضی از ایرانی‌ها اصرار عجیبی دارند که وقتی زبان انگلیسی را یاد می‌گیرند، حتماً به لهجه بومی آمریکایی یا بریتانیایی صحبت کنند. حتی کتاب‌ها و دوره‌های آموزشی بسیاری هم وجود دارد که سعی می‌کند بومی شدن را به زبان‌آموز یاد بدهند. بعضی از اهالی خاورمیانه علاقه دارند با همان مو و چشم مشکی خاورمیانه‌ای، وقتی در جامعه‌ای انگلیسی‌زبان قرار می‌گیرند، لهجه‌شان را بومی جلوه بدهند. دقیقاً همان رویکردی که در فرهنگ ایرانی خودمان در مقابل لهجه‌ها وجود داشت. حسین امیرعبداللهیان یک ایرانی است که زبان مادری و اولش فارسی است و این مسئله طبیعی است که وقتی به زبان دومی صحبت می‌کند، لهجه فارسی‌اش داد بزند! مسئله‌ای که بین جوامع عربی هم مثل جوامع انگلیسی پذیرفته شده است و در حرف زدن کارشناس‌های خارجی برنامه‌های عربی هم بسیار دیده می‌شود.»

همین اتفاق درباره یکی از نماینده‌های مجلس فعلی هم رخ داده است. رسانه‌ها نوشتند علی خضریان، نماینده تهران در مجلس که سال گذشته با تلفظ اشتباه دو کلمه اینی و ور (Anywhere) و اینی تایم (Anytime) در فضای مجازی خیرساز شده بود، یک سال بعد به منظور نشان دادن تسلط خود بر انگلیسی دوباره به میدان آمد و در شبکه افق وقتی می‌خواست از سلسله گزارش‌هایی در واشنگتن‌پست خبر بدهد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شده، از عبارت بی‌معنای How Lost Iran استفاده کرد و گفت عنوان این گزارش‌ها این بوده است!

سایت انتخاب هم دیروز به همین مسئله اشاره کرده و نوشته که بیل برنز، مرد پشت پرده توافقات هسته‌ای ژنو در بخش‌هایی از کتابش روایتی از اولین مذاکرات محرمانه با ایران را این‌طور شرح داده است: «جلیلی در پایان سخنانش برگه‌هایی از تفاهم شفاهی ایران در اختیار اعضای مذاکره‌کننده گذاشت. عنوان نسخه انگلیسی این برگه‌ها غلط املایی داشت. آنها به جای اینکه در بالای برگه بنویسند Non paper (به معنای تفاهم شفاهی) نوشته بودند None paper (معنای لغوی‌اش می‌شود: هیچ کاغذی نیست). البته به زودی معلوم شد که همان عنوان اشتباه بیشتر برانزنده آن کاغذ بوده است. سولانا و باقی ما نگاهی سریع به متن ارائه‌شده انداختیم. ناگهان نماینده فرانسه آهی کشید و غرغرنکان زمزمه کرد: مزخرف است.»

چرا به انگلیسی حرف زدن اصرار دارند؟

علی محمد بیدارمغز، کارشناس ارشد تشریفات، درباره اصرار سیاسیون به انگلیسی حرف زدن درحالی‌که به آن تسلطی ندارند، به سؤالات «شرق» پاسخ داده است.

آقای بیدارمغز به نظر شما چرا مقامات سیاسی ما اصرار به صحبت به زبانی دارند که بر آن مسلط نیستند؟

تسلط به زبان در دنیای دیپلماتیک خیلی مهم است. سازمان ملل شش زبان رسمی دارد. اسپانیایی، عربی، روسی، چینی، انگلیسی و فرانسه. قاعده بر این است که دیپلمات‌ها به یکی از این شش زبان مسلط باشند و در ملاقات‌ها یا همایش‌ها یکی از این زبان‌ها را بدانند. کشورهای دیگر مثل ایران راهکاری که یافته‌اند، این است که به فارسی حرفی می‌زنند و یک همکار عضو هیئت سخنرانی یا سفارتخانه آن را به یکی از این زبان‌های بین‌المللی برمی‌گرداند؛ اما برخی ایرانی‌ها هستند که فکر می‌کنند زبان بلدند و اصرار دارند که انگلیسی یا عربی حرف بزنند. واقعیت این است که دیپلمات‌ها باید به زبان ملی سخن بگویند و گفته‌هایشان به یکی از شش زبان رسمی و البته بیشتر به انگلیسی، ترجمه شود.

این کار البته سه خاصیت دارد: اولاً وقتی مقام ایرانی فارسی حرف می‌زند، می‌تواند آن را مدیریت کند؛ چون بر دستور زبان مسلط است. دوم اینکه وقتی همکارش ترجمه می‌کند، می‌تواند حرف‌های خودش را گوش کند. البته اگر انگلیسی‌اش خوب باشد و اگر جایی اشتباه ترجمه می‌شود، آن را بین ترجمه، اصلاح کند. سومین مورد که خیلی مهم است، این است که گاه پیش می‌آید که یک دیپلمات حرفش را عوض کند. وقتی مستقیم به انگلیسی یا زبان خارجی حرف می‌زند، نمی‌تواند گفته‌اش را انکار کند؛ ولی وقتی ترجمه می‌شود، می‌تواند بگوید که اشتباه از مترجم بود و من این را نگفتم.

در طول سال‌های کارم بارها با کسانی روبه‌رو شدم که انگلیسی خوب بلد نبودند و اصرار داشتند که انگلیسی حرف بزنند. یک بار یکی از این مقامات آمده بود سازمان ملل و اصرار داشت انگلیسی حرف بزند. وقتی گوش می‌کردیم می‌دیدیم که هر لغتی را بلد نبود تلفظ کند، از رویش رد می‌شد. یک بار یادم هست که در ازبکستان یک نشست منطقه‌ای برپا بود. معاون سازمانی که من آنجا کار می‌کردم، اصرار داشت که در این نشست انگلیسی حرف بزند، بعد فهمیدیم سطح زبانش بسیار ساده و خیلی ابتدایی است. برای همین ما قانعش کردیم که فقط یک جمله را در همان ابتدا به انگلیسی بگوید که «صحبت‌های من را آقای بیدارمغز به استماع شما می‌رساند». برای گفتن همین یک جمله کلی با او تمرین کردیم تا بتواند آن را تلفظ کند و بقیه صحبت‌هایش را من برای بقیه ترجمه کردم.

این مسئله بلدنبودن زبان و اصرار به صحبت به آن در سایر کشورها هم نمونه‌ای دارد؟
بله، در برخی کشورهای دیگر هم دیده‌ام که این مشکل هست. چیزی که باید به آن توجه شود و نمی‌شود، این است که مهم انگلیسی حرف‌زدن نیست؛ بلکه یک دیپلمات یا هر مقام دیگر باید به گونه‌ای حرف بزند که مفهوم حرف‌هایش کامل شنیده شود. دیگران بفهمند چه می‌گوید و چه می‌خواهد. زبان برای تفهیم و تفاهم است.

این اتفاق‌ها آیا به حیثیت یک کشور لطمه نمی‌زند؟

قطعاً آسیب می‌زند. هدف از حضور و سخنرانی در مجامع، تبیین اهداف کشور و شرح مواضع و خواسته‌ها است. وقتی یک نماینده نمی‌تواند خوب حرف بزند، حضورش چه خاصیتی داشته است؟ در بین مقامات سیاسی به نظر می‌رسد نمونه مشخصی که تسلطش بر زبان انگلیسی بسیار مورد توجه بود، وزیر سابق خارجه آقای ظریف است. ظریف انگلیسی‌اش خیلی خوب بود. سال‌ها آمریکا بود و آنجا تحصیل کرده بود. ببینید زبان سه قسمت است: یکی بخش مکالمه است. دوم اینکه به دستور زبان مسلط باشیم و سوم مبدأ و مقصد را بدانیم. یک جمله را ما در فارسی به شکلی می‌گوییم؛ اما در زبان مقصد به شکلی دیگر گفته می‌شود. باید فرهنگ زبان مقصد را بدانیم و عامل مهم بعدی این است که با رعایت کامل احترام به مخاطبان حرف بزنیم؛ چون این سخنرانی‌ها در تاریخ می‌ماند.